

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال هفتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸

بازنمایی ترفندهای عالم‌گریزی از سوی مدعیان مهدویت در ایران معاصر

سیدمسعود پورسیدآقایی^۱
محمد غلامی^۲

چکیده

علماء، متخصص و پاسبانان معارف دینی می‌باشند. لذا اهل بیت علیهم‌السلام مردم را در امور دینی به آنها ارجاع می‌دادند. این امر، در دوران غیبت، ضرورتی دو چندان یافته است. از این رو، مخالفان و مدعیان مهدوی، وجود فقهاء را برای خود مانعی بزرگ می‌بینند و در جهت تخریب چهره و جایگاه آنان با استفاده از ترفندهای گوناگون می‌کوشند. شناسایی این ترفندها به شناخت، نحوه برخورد و ایجاد مصونیت در برابر آنان، کمک شایانی می‌کند. این نوشتار، با رویکرد حدیث پژوهانه، به بررسی روایات مورد استناد مدعیان می‌پردازد. هم‌چنین از لحاظ تاریخی و روان‌شناسی در پی چرایی عالم‌گریزی در ایران معاصر از سوی مدعیان می‌باشد. این شگردها را می‌توان به عناوین تقلیل جایگاه علماء با حدیث‌سازی در قالب جعل و سوء برداشت از آیات و روایات، نفی تقلید و جایگاه علم دینی، عالم‌نمایی و مشروعیت بخشی کاذب به مدعی، برجسته‌سازی نقاط ضعف برخی علماء و اطرافیان و ترور شخصیتی آنان، تفکیک کرد.

واژگان کلیدی

ترفند، مدعیان، مهدویت، عالم‌گریزی، روزگار معاصر.

۱. استاد درس خارج حوزه علمیه قم.

۲. دانش‌پژوه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت قم (نویسنده مسئول) (montazer.mohammad@gmail.com).

طرح مسئله

بزرگ‌ترین نقش علماء در دوران حضور ائمه علیهم‌السلام پاسداری از اعتقادات و ارزش‌ها می‌باشد. آنان در سرتاسر جغرافیای اسلام، به نمایندگی از معصومین علیهم‌السلام احکام را به مردم می‌رساندند. امامان نیز، به خاطر تلاش آنان، پیوسته علماء را تأیید و حمایت می‌کردند و مردم را به آنها ارجاع می‌دادند. در واقع، آنان نقش رابط بین ائمه علیهم‌السلام و مردم را ایفا می‌کردند. در دوران غیبت صغری، فقهاء و سفرای امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فی‌قربانہ نقش به‌سزایی در گسترش مکتب اهل بیت علیهم‌السلام ایفا می‌کردند. در دوران غیبت کبری نیز، علماء به مرزبانی مرزهای عقیدتی می‌پردازند.^۱ یک سرباز چگونه مرزبانی می‌کند و جلوی رخنه دشمن را می‌گیرد؟ یک عالم نیز با قلم و کاغذ و نوشتن یک جمله، به مرزبانی عقیدتی می‌پردازد.^۲

مردم نیز، چنان به همراهی و هم‌نشینی با علما تشویق شده‌اند (علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۶۴) که نگرستن به چهره عالم، عبادت (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۵۴) و مایه‌ی بصیرت (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴۱) است. در نتیجه باید از عالم (با یک سری شرایط خاص) پیروی کرد. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۵۸) از طرف مقابل، تلاش گروه‌های انحرافی را می‌بینیم که می‌خواهند با دور نگاه داشتن آنها از علماء، سخنان خود را بقبولانند. برای این کار نیز، از انواع ترفندها بهره می‌برند، (مثل سوءاستفاده سامری از رفتن عالم «حضرت موسی علیه‌السلام» به عبادت). (طه: ۸۷)

شناساندن این نوع ترفندها می‌تواند به شناخت، نحوه برخورد و ایجاد مصونیت در برابر آنان، کمک شایانی بکند. هم‌چنین از پیامدهای منفی متعددی، از قبیل تخریب اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت، فرقه‌گرایی و هدررفت ظرفیت‌های جامعه شیعی جلوگیری کند. ضرورت دیگر آن، یک پارچه کردن گونه‌های مختلف شگردهای مدعیان دروغین و مطالعه سیستمی در این زمینه است.

هدف اصلی ما، بررسی شگردهای جریان‌ات انحرافی (و مدعی مهدویت) معاصر (از قاجار تا الان) می‌باشد. و نیز، پاسخ به این سئوالات که: آیا نوع این ترفندها، در جریان‌ات انحرافی

۱. و قال جعفر بن محمد علیه‌السلام [علماء] شیعتنا مرابطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفارینه، یمنعونهم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا، و عن أن یتسلط علیهم ابلیس و شیعتہ النواصب (حسن بن علی علیه‌السلام، ۱۴۰۹: ۳۴۳).
۲. رک: کتاب تحریم تنباکو، صفحه ۱۰۰، که به شرح فتوای تاریخی میرزای شیرازی می‌پردازد.

متعدد، از یک گونه می‌باشند؟ آیا گونه‌های ترفند را می‌توان دسته‌بندی کرد؟ آیا در هدف خود (ایجاد فاصله بین مردم و علماء) موفق بوده‌اند؟

ادبیات تحقیق

روش

این جستار، با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این دست سؤالات می‌باشد. نیز، با رویکرد حدیث‌پژوهانه، به بررسی روایات در زمینه علم و عالم پرداخته است. هم‌چنین با رویکردی تاریخی در پی کنکاش مسئله فرار از عالم از سوی سران فرقه‌های انحرافی و سوق دادن مردم به عالم‌گریزی از سوی آنها می‌باشد.

پیشینه

گستره‌ی مطالعه، پیرامون جریان‌های مدعی مهدویت، وسیع است. اما آنچه مورد توجه قرار گرفته است، شگردهایی است که از سوی مدعیان و پیروان‌شان، برای فاصله‌انداختن بین علماء و مردم به کار رفته است. پیش از این، کتاب‌هایی مانند *به سوی انحراف* (حجّامی: بی‌تا)؛ *کترزاهه* (جمعی از نویسندگان: ۱۳۸۸)؛ *قبیله حیلہ* (جامعه مدرسین قم: ۱۴۲۹) و *درس‌نامه فرقه‌های انحرافی* (احمد حاج قلی و دیگر نویسندگان؛ مرکز تخصصی مهدویت قم، ۱۳۹۵) و مقالاتی از قبیل «ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت، در ایران معاصر» (نعمت‌الله صفری فروشانی و مسلم کامیاب، مجله انتظار موعود، ش ۵۵)؛ «بررسی و تحلیل استنادات روایی جریان‌های انحرافی بر مذمت فقهاء» (محمد شهبازیان و عبدالرضا حسناتی نجف‌آبادی، مجله انتظار موعود، ش ۵۶) و «بررسی نقش علماء در برخورد با مسئله باییت و بهابیت» (محمد فاکر میبیدی و رحمان زارع، مجله تاریخ در آینه پژوهش، ش ۳۳) به چاپ رسیده است. این منابع، در حیطه موضوع خود، قلم زده‌اند. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که به طور ویژه و مستقل، به ترفندهای جریان‌های انحرافی مهدوی معاصر، پرداخته نشده است؛ لذا نوشتار پیش رو، می‌تواند به عنوان اولین گام در این زمینه باشد.

چارچوب مفهومی

عالم

علم بشر در مورد قوانین عالم، همان‌گونه که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می‌فرماید بر دو گونه است؛

«العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان» (کراچی، ۱۳۹۴: ۲۵) و می توان شرافت علم الادیان را بر دیگری بدون ورود خدشه به اهمیت علم الابدان به راحتی فهمید. چرا که این، متضمن هدایت، سلامت و سعادت انسان است و از سقوط و هلاکتش جلوگیری می کند، ولی آن، فقط مربوط به همین دنیا می باشد. با این بیان، منظور از عالم در این نوشتار، عالمان دینی می باشد. توجه به اهمیت علم الادیان ما را بدان رهنمون می سازد که فاصله گرفتن از چنین عالمانی، موجبات ضرر و زیان های عدیده ای می شود. بدین خاطر است که ائمه علیهم السلام (چه در زمان حیات و چه پس از خود) ما را به ارتباط با عالمان رهنمون می سازند.

مدعی

ادعاکننده و کسی که از چیزی لاف می زند که ندارد. (فرهنگ عمید) بنابراین، مدعیان دروغین مهدویت، کسانی اند که به دروغ (و باطل) ادعای نیابت، سفارت و یا مهدی موعود بودن می کنند. برای این ادعا نیز، از کم اطلاعی و بضاعت علمی اندک مردم سوء استفاده می کنند.

فاصله

به فضای (خالی) میان دو شیء یا پدیده که بر روی هم جای نگرفته اند، فاصله (Distance) گفته می شود. بنابراین، اگرچه در روزگار ما، با انواع ابزارآلات نوین اجتماعی، مرزهای فاصله کوتاه شده است، اما آن چه که (در این نوشتار، مورد نظر و) هم چنان در جامعه مشهود است، فاصله و دوری فیزیکی میان افراد (از جمله علماء و مردم) است. همان که رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت گفت وگوهای رو در رو فرمودند:

هیچ کس گمان نکند که اهمیت منبر و مسئله گویی و جلسات گوناگون روحانیون، امروز کمتر از دیروز است. نه، بنده با وسائل ارتباط جمعی آشنا هستم. تلویزیون و بقیه چیزها را می شناسم و تاثیرات آنها را می دانم. اما معتقدم جلسه ای که یک روحانی بنشیند و عده ای رو به روی او قرار گیرند و او با آنها حرف بزند، هم چنان جایش در کل تبلیغات مدرن امروزی، خالی است. (امام خامنه ای، تیر ۱۳۸۲)

شگردها

با رفتارشناسی جریان های مدعی منحرف مهدوی، انواع شگردهای ایجاد فاصله بین علما و مردم، رخ می نماید. ذیلاً برخی موارد توضیح داده می شود:

تقلیل جایگاه علماء در آخرالزمان با حدیث سازی

جعل

عقیده به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان است که از همان آغاز اسلام در انتظار ظهورش بودند. این انتظار، در حوادث و بحران‌ها شدت می‌یافت. در این میان، مدعیان مهدویت از این قضیه سوء استفاده کرده، برای پیش برد ادعای خود از روایات جعلی بهره می‌گرفتند؛ برای مثال، در مورد تقابل علماء با حضرت، روایاتی را دست‌آویز قرار داده‌اند که در متون اصیل و معتبر وجود ندارد.

نمونه

علی محمد شیرازی، موسس فرقه بابیه و بستر ساز بهائیت، در مناظره‌ای با عالمان شیعی دیار تبریز (به دلیل ضعف علمی در پاسخ‌گویی) به جعل روایتی در مذمت فقهاء اقدام می‌کند و می‌گوید:

منم آن‌که چهل هزار علما منکر(ش) خواهند گشت. پرسیدند: این حدیث در کدام کتاب است که چهل هزار علماء منکر خواهند گشت؟ گفت: اگر چهل هزار نباشد، چهار هزار که هست. (حاج قلی و نویسندگان، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

این آقا، حدیثی جعل کرده و حتی حاضر نیست جعلی بودن آن را اعتراف کند. بلکه تلاش می‌کند با کاهش تعداد به چهار هزار عالم، آن را باورپذیر کند!

و یا بهاییان که با دست بردن در روایت نبوی، علماء را شرّترین افراد امت پیامبر می‌دانند «سیاتی زمان علی امتی... اشْرُ الفقهاء...» (گلیپایگانی: ۲۰۰۱، ۱۰۳، ۱۷۵، ۳۷۵) حال آن‌که در هیچ روایتی «اشْرُ» به صورت اسم تفضیل نیامده، حتی همان نویسنده، در کتاب دیگر خود که از نظر زمانی مقدم است، روایت را بدون اسم تفضیل، ذکر کرده است. (گلیپایگانی: ۱۹۹۵، ۲۵۴) هم‌چنین، پیروان مدعی یمانی در ذیل عنوان «لماذا لم يتبع المراجع الإمام أحمد الحسن؟» در سایت رسمی‌شان، یک روایت از خطبه حج احمد اسماعیل آوردند^۱ که از قول پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله می‌گوید:

وای بر اتمم، وای بر اتمم، از شورای بزرگ و کوچک! سؤال شد: شورای بزرگ و کوچک کدام است؟ فرمودند: شورای بزرگ، بعد از وفاتم در شهر خودم و برای غصب خلافت برادرم و غصب حق دخترم منعقد می‌شود و شورای کوچک، در غیبت کبرا در زوراء (بغداد)

1. https://almahdyoon.org/imam/esdarat/khetabat_sayed.html

برای تغییر سنت و تبدیل احکام من منعقد خواهد شد.

ملاحظه می‌شود که هیچ‌کدام از این روایات، نه در منابع معتبری آمده و نه از معصوم علیه السلام است. هم‌چنین هیچ تصریحی به علمای شیعه ندارد و این، فقط برداشت اشتباه نویسندگان است. اما یمانی با استناد به آن، علمای دینی را تشکیل‌دهندگان شورای کوچک می‌داند که مورد مذمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفته است. در این میان، این گروه، بر مذمت آیت‌الله سیستانی (حفظه الله) تاکید بیشتری دارد و می‌گوید:

حکم، به رای سیستانی، حکم شیطان است. (احمدبصری، ۲۰۱۰: ج ۱، ۹۰)

سوء برداشت

بررسی آیات و روایات، باید بر اساس مبانی باشد، نه آن‌چه از ذهن متأثر می‌شود. در این میان، فرق انحرافی (چه در گذشته و چه در زمان معاصر) با شگردهای نخ‌نما شده‌ی قدیمی، سعی در سوار شدن بر موج احساسات جامعه و فریب افراد غیرمتخصص دارند. مثلاً می‌خواهند از یک عنوان عام و قابل انطباق بر کل، برداشت خاص از یک طیف داشته باشند. ذیلاً موارد این سوء برداشت‌ها از قرآن و روایات، مشاهده می‌شود.

نمونه از آیات

بهاییان، آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی انعام^۱ را تاویل به علمای زمان بهاء می‌کنند و می‌گویند: حضرت بهاء با تذکر این انذار، می‌خواست علماء از کابوس غفلت و استغراق سکریت به هوش آیند. (گلپایگانی: ۱۹۹۵، ۲۵۶)

پیروان احمد اسماعیل بصری نیز در تفسیر سوره ماعون می‌گویند:

علمای دین و اطرافیان آنها هستند که بر اموال فقراء و ایتم چیره می‌شوند و همان‌ها هستند که با ائمه علیهم السلام به مبارزه برمی‌خیزند تا بر اموال صدقات چیره شوند و به ریاست باطل دینی برسند و در آخر، نتیجه می‌گیرد که علمای سوء غیرعامل و طاغوتیان و اطرافیان آنها، کسانی‌اند که یتیمان را (که همان انبیاء و ائمه علیهم السلام باشند) از جایگاه خود محروم می‌کنند و در ادامه این علماء را علمای آمریکایی می‌داند. (احمدبصری، ۲۰۱۰: ج ۱، ۸۴-۹۰)

هم‌چنین در تاویلی آشکار، تبعیت یهود از وساوس شیاطین در آیه‌ی ۱۰۲ بقره^۲ را علمای

۱. «وَكذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ...»

۲. «وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مَلِكٍ سَلِيمَانَ...»

شیعه می‌داند که از وسوسه‌های شیطانی پیروی می‌کنند. (همو: ج ۱، ۱۰۱) هم‌چنین، سامری این امت و حال حاضر را عالم‌گمراه و بی‌عملی می‌داند که دین را تحریف می‌کند و گوساله را عقیده‌ی فاسدی می‌داند که عالمان سوء، بین مردم منتشر می‌کنند (همو: ج ۳، ۴۵) و در مرحله بعدی، مقلدین مراجع تقلید را نیز بی‌نصیب نگذاشته و گمراهان تابع شعراء درآیه‌ی ۲۲۴ شعراء^۱ را به مقلدین مراجع تقلید تأویل نموده‌اند. (همو: ج ۲، ۷۰)

نمونه از روایات

نویسنده‌ی بهایی، روایت فضیل بن یسار^۲ را می‌آورد و می‌گوید:

تعبیر «کَلِّمُوا بَنَاتِ اللَّهِ» حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام به صراحت می‌فرماید: امر قائم به سبب معارضه علماء از امر حضرت خاتم‌الانبیاء سخت‌تر می‌باشد و کار بر آن حضرت دشوارتر می‌شود، زیرا که علماء، آیات قرآن را بر ضد آن حضرت تاویل می‌کنند؛ یعنی بر خلق وانمود می‌کنند که ظهور حضرت بر خلاف قرآن است. (گلپایگانی، ۱۹۹۵: ۲۵۳)

ایشان، هم‌چنین در کتاب دیگرش می‌گوید:

منظور از معاندین قائم، اهل علم و ارباب عمامت خواهند بود و با دست‌آویز کتاب، با حضرتش معاندت خواهند نمود و این معلوم است که عداوت اهل علم، سخت‌تر است و قساوت قلب ارباب عمامت، شدیدتر.... یعنی معارضین و معاندین حضرت رسول، مردمان امی‌عامی بودند و لکن معاندین و معارضین قائم موعود، فقهاء و علما خواهند بود. (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ۱۰۲، ۴۲۲)

احمد اسماعیل بصری نیز، علماء و مراجع فعلی را کسانی می‌داند که در برخی روایات، مذمت شده‌اند. (الزیادی، ۲۰۱۱: ۴۵-۴۷) و در ادامه، عذاب خسف (که از علائم حتمی ظهور است) را برای عالمان دینی می‌داند. چرا که آنها همان لشکر سفیانی‌اند. (همو: ۴۸)

هم‌چنین، روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که می‌فرماید: «... فُقُهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فُقُهَاءَ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۳۰۸) را می‌آورند و با استناد به آن می‌گویند: مصداق عبارت «فقهاء» در این روایت، علماء و فقهای دینی فعلی و مخالف ما می‌باشند. یا مثلاً یک مصداق غلط را به همه مصادیق (چه خوب و چه بد) سرایت می‌دهند و می‌گویند: همه این‌طور هستند. مثلاً انحراف شلمغانی را

۱. «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ».

۲. اِنَّ قَائِمَنَا اِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جِهَةِ النَّاسِ ... كَلِّمُوا بِنَاوِلٍ عَلَيْهِ ... (ابن ابی زینب نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۹۷).

گرفته و به تمام علمای مخالف و معاصر خود گسترش می‌دهند (http://www.black_banners.com/forum/viewtopic.php?t=11899). در حالی که شاهی بر این مطلب وجود ندارد و اصلاً این امر، برداشتی غلط می‌باشد. این گروه، تعبیر «فجره قریش» در روایت آقا امیرالمومنین علیه السلام^۱ را که این‌گونه نقل شده است:

پدرم به فدای کسی که فرزند برگزیده از کنیزان است - یعنی قائم که از اولاد او است - که آنان را ذلیل می‌کند و کاسه تلخ به گلوشان می‌ریزد و به جز شمشیر مرگ چیزی به آنان نمی‌دهد. این هنگام تبه‌کاران قریش آرزو می‌کنند که ای کاش دنیا و هر چه در آنست از آنان بود و فدا می‌دادند تا مگر از جرم آنان چشم‌پوشی شود ولی دست‌بردار نخواهیم بود تا خداوند راضی شود. (فهری، ۱۳۶۲: ۳۲۴)

به مرجعیت شیعه در نجف، تأویل می‌کنند، (الزیادی، ۲۰۱۱: ۴۶) با این توجیه که قریش، کسانی بودند که درام‌القری و اطراف کعبه زندگی می‌کردند و در زمان قائم، آنها بی هستند که گرداگرد ضریح امام علی علیه السلام درام‌القرای این زمان که نجف است زندگی می‌کنند و از قریش در این زمان، بعضی علمای دین هستند. (احمد بصری، ۲۰۱۰: ج ۳، ۲۶)

همین‌گونه است، کار مبلغان جریان یمانی که با ورود به پارک‌های سطح شهر، با مخاطب خود ارتباط گرفته و پس از رد و بدل شدن سخنانی، به روایات معصومین استناد کرده و با برداشت‌های ظاهری از روایات و کاملاً جهت‌گرایانه به نفع خود، سعی در القای پیام خود به مخاطبین از همه جا بی خبر دارند. (رک: http://www.shiraze.ir/fa/news) این تأویلات، نشان از عصبانیت آنها دارد و این‌که اتاق فکرشان، عالِم‌گریزی را در دستور کار قرار داده است. چرا که میزان تاثیر عالم دینی را بر عدم پیش‌برد هدف فرقه‌ای خود دیده‌اند.

نفی تقلید و جایگاه علم دینی در هدایت بخشی

کوچک شمردن علوم دینی، از شگردهای برخی فرق انحرافی است. به این دلیل که می‌خواهند مریدان و طرفداران خود را از علماء دور کرده تا در تار عنکبوتی خود گرفتار کنند. جریان‌های انحرافی، سخن از خودشناسی و خودسازی می‌زنند، تا علم دینی را حجاب حقیقت

۱. بَابِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ بِعَيْنِ الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِهِ عليه السلام يَسُومُهُمْ حَسْفًا وَيَسْقِيهِمْ بِكَأْسِ مُصَبَّرَةٍ وَلَا يَعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَزْجًا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَتَمَّتْ فِجْرَةُ قُرَيْشٍ لَوْ أَنَّ لَهَا مَفَادَاةً مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِيُغْفَرَ لَهَا لَا تَكْفُفُ عَنْهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ. (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۲۹)

اعلام کنند. این در حالی است که روایات، مسلمین و مومنین را توصیه به علم‌آموزی، تحت هر شرایطی می‌کند، مانند این روایت از امام صادق علیه السلام که فرمود:^۱
 به طلب علم برخیزید، هرچند با فرو رفتن در گرداب‌ها و در خطر افتادن جان‌ها همراه باشد
 (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۰۸).

آن‌چه مسلم است هیچ امری، حتی ریاضت و چله‌نشینی اسلامی نیز نمی‌تواند جای علم‌آموزی درست و صحیح را نزد علماء و فقهای دینی بگیرد. هرکس که به تحقیر علم و تفقه در دین پرداخت و علماء و فقهاء را تحقیر کرد، به خطا رفت و اگر ادعای عرفان دارد، در پی تحمیق مریدان خود و به انحراف کشاندن آنها است. این روایت امام باقر علیه السلام را ببینید که چگونه فقه‌آموزی و طلب فهم دین را بر شیطان، سخت‌تر و ناگوارتر از عبادت هزار عابد دانسته است:

مُتَّفَقٌ فِي الدِّينِ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ عَابِدٍ (صفا، ۱۴۰۴: ج ۱، ۷).

جالب توجه این‌که برخی از فرق انحرافی، در عین حال که به نفی تقلید از علمای دین و فقهای جامع‌الشرایط می‌پردازند، در عین حال، مریدان خود را به سرسپردگی بدون چون و چرا به قطب فرقه، توصیه می‌کنند. مثلاً، اصل اول اصول ۱۲ گانه بهاییت، تحری حقیقت (و نفی تقلید از دیگران) است. (ر.ک: www.bahaiat.com) هم‌چنین، شبکه‌های اجتماعی وابسته به آنها آذیل عکس یکی از روحانیون مشهور (همان فضای مجازی) که اخیراً نیز خلع لباس شده، این چنین مطلب می‌گذارند و می‌گویند:

دیانت بهایی معتقد است که دین، تحقیقی است نه تقلیدی. هر فردی باید شخصاً بدون هیچ تعصب و پیش‌داوری، تحری حقیقت (جست‌وجوی حقیقت) نماید.

یا مثلاً فرد دیگری می‌گوید:

در دیانت بهایی هیچ فردی نمی‌تواند خود را مفتی، آخوند، مرجع تقلید، پاپ، موبد، خاخام و... بنامد و از جانب خدا فتوا صادر کند و عده‌ای از او تقلید کنند.

حتی در این مسیر، منابر و مساجد را نیز نفی می‌کنند. برای این‌کار، با علم کردن اماکنی نظیر خانقاه، جمع‌خانه و... در برابر مسجد، سعی می‌کنند مردم را از پیرامون علماء پراکنده و به خود، جذب کنند. بهاء‌الله در اقدس می‌گوید:

۱. و قال علیه السلام: اطلبوا العلم ولو بخوض اللجج، و شق المهج.

قد منعتم عن الارتقاء الى المنابر من اراد ان يتلو عليكم آيات ربه فليقعد على الكرسي
الموضوع على السرير. (نوری، بی تا: ۱۴۶)

چرا که جایگاه علماست و در آن جاست که سره از ناسره تمییز داده می شود.

مشروعیت بخشی کاذب به مدعی و عالم نمایی

انسان هایی که کاریزمای اثرگذار کمتری دارند، درصدد ساختن یک شخصیت کاذب برای خود می باشند و برای رسیدن به آن نیز از حیل‌های متفاوت استفاده می کنند. به عنوان نمونه، شخصی که مردم وی را غالباً با مطالعه کتاب‌ها، حضور در جلسات، معرفی دیگران و مراجعه به سایت شخصی اش می شناختند، با طرح مطالب دروغین در کتاب‌هایش، به خود شخصیت علمایی بخشیده بود. (فیلم اعترافات: بی تا) از ادعاهای دیگری که باعث مشروعیت بخشی می شود، ادعای ملاقات‌های مکرر مدعی با حضرت، اهدای قرآن از جانب حضرت به وی و ادعای اجتهاد با چاپ کتاب *احوط الاقوال* بدون اینکه صلاحیت علمی داشته باشد، می باشد. (همو) این، در حالی است که مدعی بعدها در اعترافات خود می گوید:

هر کسی دوست دارد دارای شخصیت باشد. من نمی توانستم از راه عادی دارای شخصیت شوم؛ لذا از همان جوانی، با ورود به تشکیلات دینی شخصیت کاذبی برای خود ساختم؛ ولی هر چه خود را به انقلابیون نزدیک می کردم، به خاطر برخی بی لیاقتی‌های بنده، مرا نپذیرفتند. لذا از طریق نوشتن کتاب، شخصیت کاذب دیگری برای خود تشکیل دادم که همه آن، هوای نفس و توهومات بود و از خدای تعالی پوزش می خواهم. (همو)

هم چنین، احمد اسماعیل بصری (با این ادعا که «یمانی» است و باید هنگام ظهور با ۱۲ هزار نیروی جنگی از طالقان خروج کند) از این ترفند استفاده می کند. در مستند ساخته شده توسط مریدان یمانی، آنها برای تایید ادعاهای خود مدعی اند شیخ محمد یعقوبی (که به گفته آنها از مراجع عراق و آیت الله می باشد) یمانی را تایید و با او بیعت کرده است. (فیلم یمانی موعود: بی تا) این درحالی است که اولاً: این نکته تنها ادعا است و ثانیاً: خود طرفداران یمانی مانند ناظم العقیلی ردیه‌ای بر مطالب این روحانی عراقی با نام *ملحمة الفكر الاسلامی والفکر الیمقرطی (العقیلی: ۱۴۲۶)* تالیف کرده است.

برای شناخت این ترفند، لازم است مخاطب، هنگام رو به رو شدن با آن، چند پرسش اساسی را مطرح کند: چه چیزی یا از چه کسی نقل شده است؟ چرا باید به مدعیان توجه کنیم؟ بر فرض که این افراد، صادق باشند؛ آیا ادعای آنها می تواند به عنوان یک ارزش دینی و

اعتقادی مورد پذیرش قرار گیرد؟^۱

برجسته‌سازی نقاط ضعف برخی علماء یا اطرافیان آنها

مال‌اندوزی از سوی برخی علمای دین فروش (بقره: ۳۴) تحریف حق و حقیقت (بقره: ۷۵) کتمان حق (بقره: ۱۴۶) نداشتن حلم و بردباری (کهف: ۶۷-۷۲) درست ایفا نکردن نقش اصلی خود، باعث ایجاد فاصله میان علماء و بخشی از جامعه شده است. به ویژه، اگر عمل کرد تعدادی از آنها را که در دستگاه‌های دولتی و حکومتی به ریاست و قضاوت مشغول هستند در نظر بگیریم، خواسته یا ناخواسته، برخورد بد آنها در مشاغل و حوزه اختیاری آنها، به روابط روحانیت و مردم آسیب زده، به طوری که زمینه بدبینی و بدگمانی مردم نسبت به علما را فراهم کرده است.

هرچند (در نگاهی دیگر) شاید رفتار خود علماء، مورد دست‌آویز قرار نگیرد، ولی اطرافیان آنها زمینه‌ساز این امر می‌شوند. امام رضا علیه السلام در سفارش زیبایی به فرزند خود (امام جواد علیه السلام) می‌فرماید:^۲

فرزندم! به من خبر داده‌اند که چون از منزل، بیرون می‌روی، غلامانت بخل و حسادت می‌ورزند تا چیزی از تو به کسی نرسد. برای همین، تو را از درب کوچک اندرونی بیرون می‌برند تا مبادا کسی از تو بهره‌مند گردد. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ۴۳)

از سوی دیگر می‌بینیم، جریان مدعی‌یمانی (احمد اسماعیل بصری) می‌گویند:

زمانی که شما دنبال علم و زدودن جهل هستید، نمی‌توانید به راحتی علمای اسلامی را ببینید، یا سؤالاتان را بپرسید، این همه هزینه برای کتب گران قیمتی می‌کنید که به دلیل کلمات دشوار و اصطلاحات سنگین چیزی از آن، سر در نمی‌آورید، خمس‌تان را به چه کسی می‌دهید؟ برای ساخت این همه ساختمان؟

هم‌چنین با علم کردن برخی کلمات و رفتارهای بزرگان و مراجع علمی، سعی در تحرک عواطف و احساسات مردم دارند. به طوری که جایگاه علمی و رجوع مردم به آنها را مورد تردید قرار می‌دهند. این تفرقه افکنی‌ها در بستر شبکه‌های اجتماعی نوین، با تصاویر اغواکننده، تاثیر بیشتری روی روان مخاطبین خواهد گذاشت (@Zuhur_kard10313;@). (Rahe_hal_faghat_mahdi_ast)

۱. توضیحات این شماره از: مقاله ترفندهای روان‌شناختی مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر.
۲. بلغنی أن الموالی إذا ركبت أخرجوك من الباب الصغیر فإنما ذلك من بخل منهم لئلا ینال منك أحد خیرا.

ترور شخصیتی و برجسب زدن به علماء

بهاییت از فرقه‌هایی است که به شدت با علماء به مبارزه پرداخته است. توهین و بدگویی علماء از جمله اقدامات عادی این فرقه است، می‌گویند؛ علماء، مانع عباد و باعث گمراهی مردم‌اند. (نوری، ۱۳۷۷: ۹) به اعتقاد این گروه، علماء و فقهاء، سبب ضعف اسلام و اختلال حال امت هستند. همان‌ها که به جمیع اوصاف دنیّه ردیله از جمله: حسد، حب‌ریاست، قساوت‌قلب، تکبر، نخوت و دنائت موصوف می‌باشند (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ۱۷۵) و از علماء به دزدان راه و گمراه‌کننده بندگان تعبیر می‌کنند. (شوقی افندی، ۱۹۸۴: ج ۳، ۳۱۱)

افترای بعدی این گروه، انتساب علمای طراز اول شیعه به خود است. مثلاً می‌گویند:

شیخ اعظم (مرتضی انصاری) با این‌که معاصر حسینعلی نوری (بهاء) بود ولی هرگز تکفیرش نکرد و نسبت به وی نظر منفی نداشت. دلیل این مدعا می‌تواند این باشد که حسینعلی نوری در محضر شیخ انصاری، عقائد (منسوب به) خود را انکار و خویش را تبرئه کرده است. (میبدی، ۱۳۹۱)

یا مثلاً می‌گویند: میرزای بزرگ (صاحب فتوای تنباکو) به ما (بهاییت) ایمان آورد، ولی در زمان خود، صلاح ندانست اعلام کند. او تصمیم گرفت که در اواخر عمرش فقط به یکی از بستگانش، میرزا آقا افنان (نورالدین) که پدرش عموزاده میرزای شیرازی بود حقیقت را آشکارسازد و از قول او می‌گویند:

من جوان بودم؛ مشغول تحصیل در اصفهان، زمانیکه حضرت باب به آن شهر آمد، من، در ملاقاتی که با امام جمعه و طلاب علوم دینی در خانه مرحوم معتمدالدوله منوچهرخان بود، حضور داشتم، آنها از ایشان سوالات از هر قبیل پرسیدند؛ پس یکی از طلاب سؤالی کرد و او شروع به دادن پاسخ نمود؛ آن شاگرد بی انصافی نمود و جواب او را رد کرد، جواب او به آن شخص، مرا مصمم نمود و مطمئن نمود و همه چیز را دریافتم. هرگز نگذاشتم این باور من نقصان پذیرد، آنچه از آیات و بیانات او به دستم رسید؛ خواندم و آنها باعث تجدید روحانیت من گشته‌اند. بدون شك از آن زمان به بعد فکر من تغییر کرده و این جلال بارزی که خداوند به من عنایت فرموده، باعث گشته که عادلانه به این موضوع توجّه کنم و این دیانت را بپذیرم. (شبکه مجازی اینستاگرام @aman.bahai)

البته این امر، از گذشته بوده است و حتی در قرآن نیز، رگه‌هایی از این نوع برجسب زدن را می‌توان دید. به طوری که هر فرقه‌ای حضرت ابراهیم علیه السلام را از خود می‌دانستند. (آل عمران:

اگر در این اتهام موفق نبودند، برچسب‌های دیگری می‌زدند: شروع به استهزاء، فحش و استفاده از القاب زشت (و در یک کلام، ترور شخصیتی) می‌کردند. همان‌گونه که پیامبران را اتهام سحر، کذب و... می‌دادند. (غافر: ۲۴؛ ذاریات: ۵۲) به طور مثال، زمانی که علی محمد شیرازی، نتوانست علمای زمان خویش را مجاب کند، اتهام‌زنی به علماء را آغاز کرد و در مورد علماء و شهر قم چنین گفت:

من شخصاً دوست نمی‌دارم که به این شهر وارد شوم. بهتر آن است که از کنار شهر عبور کنیم و وارد شهر نشویم؛ این‌جا شهر خبیثی است. نفوس (علمایی) که در آن ساکنند، شریر و فاسقند.... (اشراق خاوری، بی‌تا: ۱۴۶)

ملاحظه می‌کنید که نویسنده از قول باب، همه اهل یک شهر (که عمدتاً به عالم بودن شناخته می‌شوند) را به یک چوب رانده و همه را فاسق و شریر قلمداد می‌کند. البته، این خط از جریان‌های انحرافی در زمان معاصر نیز ادامه دارد. یکی از این جریانات، احمد اسماعیل بصری است که سعی می‌کند از نظر اجتماعی، عاطفه و احساسات مردم را تحریک کند، مثلاً می‌گوید:

خمس را امام زمان علیه السلام مباح کرده است، ولی این فقها می‌گیرند، می‌خورند، دفتر آن چنانی می‌زنند و.... (@zuhur_kard10313)

راهکار

آموزه مهدویت، از امور فرهنگی زندگی می‌باشد. مهم‌ترین عرصه تقابل آن (یعنی مدعیان مهدویت) نیز در همین حیطه معرفی می‌شود. بنابراین، باید سنخ کار ما (در این نوشتار) نیز فرهنگی باشد، ولی با توجه به میزان برد این آموزه و مقابل آن، دیگر حوزه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین در ارائه راهکار، تمامی حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. اما آن‌چه در بخش بدان پرداخته می‌شود، فقط حوزه فرهنگی است. دیگر امور را قلمی دیگر، لازم است.

در عرصه فرهنگ، برای مقابله با ترفندهای مدعیان مهدویت، ابتدا باید پژوهشی در خور، صورت بپذیرد. برای این امر نیز باید، مجموعه کارهایی انجام شود:

شناسایی و ضرورت موضوع

در ابتدا، باید موضوع شناسایی شود تا اگر ضرورت داشت،^۱ در اقدام بعدی، پیرامون آن،

۱. شناخت ترفندهای عالم‌گریزی مدعیان مهدویت از جمله موضوعات دارای اولویت در میان مباحث است.

تحقیق صورت پذیرد. و در ادامه نیز، با روش‌های منطقی و علمی به تبیین درست آن پرداخت. مثلاً با پژوهش به این نکته رسیدیم که امکان نیابت خاصه در دوران غیبت امام عصر عجل الله فرجه فراهم نیست. بنابراین، اگر کسی آن را مطرح کند، یعنی دنبال مرید و مراد و مال اندوزی و... است.

ثبت و انتقال یافته‌ها به جامعه هدف

بعد از پژوهش، نوبت به ثبت تحقیقات (به صورت جزوه، کتاب، مقاله و...) می‌رسد که البته ما حاصل آن باید به جامعه هدف منتقل گردد. در مرحله بعد و در بستر تبلیغ، باید با زبانی هنرمندانه و روزآمد (مثلاً در قالب رسانه و یا قانون) به نهادینه‌سازی اعتقادات درست در جامعه پرداخت.

تشکیل یا تقویت سازمان فرهنگی

مقابله با مدعیان و شناسایی ترفندهای گوناگون‌شان در تمامی زمینه‌ها از جمله عالم‌گریزی، در حیطه کار فرهنگی است. بنابراین برای رسیدن به نتیجه مطلوب، لازم است یک مجموعه منسجم به‌عنوان یک قرارگاه فرهنگی عهده‌دار آن شود. (اگر تشکیل نشده، تشکیل شود و در صورت تشکیل، از همه لحاظ تقویت شود) یکی از این نهادهای فرهنگی (که دارای اهمیت و قدرت است) حوزه علمیه و سربازان آن، یعنی علماء می‌باشد. علمای دوران انتظار و غیبت، باید خلاء حضور امام غائب را به خوبی پرکنند. آنها باید رفیق شفیق امت و تداعی‌کننده حضور آن سرور، باشند. بنابراین، لازم است در تفقه دین و حل مشکلات علمی و یا پاسخ به شبهات، به تمام امکانات نرم افزاری و علوم مربوطه، مجهز باشند؛ زیرا آنان به‌عنوان سنگربانان دین و اعتقادات مردم، باید اولاً خود را در معرض شبهات و اشتباهات، مصون نمایند، که امام صادق علیه السلام فرمود:

انسان عالم و آگاه به زمان خودش، مورد هجوم خطاها و اشتباهات قرار نمی‌گیرد.
(کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۷)

و هم بتواند از مرزهای عقیدتی و عملی مردم دفاع نمایند. (همو: ۳۶)

کار سترگ عالمان دین، امر به معروف و نهی از منکر، گناه زدایی در جامعه، دعوت به فضایل و بیان زیبایی‌های کلمات اهل بیت علیهم السلام برای مردم است. علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:

خدا رحمت کند کسی را که امر (و مکتب ما را) احیا کند. عبدالسلام هروی آن‌جا بود و پرسید: و من یُحیی أُمْرُکُمْ؟ حضرت می‌فرماید: کسانی که علوم ما را فرا می‌گیرند و (به فراگیری آن بسنده نمی‌کنند، بلکه) آن را به مردم می‌آموزند. پس اگر مردم زیبایی‌های کلمات ما اهل بیت را بدانند پشت سر ما به راه می‌افتند. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۰۷)

یعنی اگر می‌خواهید برای عصر ظهور، جامعه را تربیت کنید، باید مردم را با سخنان، معارف، فضایل، مکارم و اخلاق اهل بیت آشنا کنید و اتفاقاً خود آن شخص، حتی اگر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک نکند، همانند کسی است که در پیش روی حضرت، شمشیرزده و اجر دو شهید را می‌برد. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۱۷۳)

این نکته بسیار مهم است: «من مات و لم یعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۹) آنان باید شناخت نسبت به حضرت را بالا ببرند. معرفت سطحی و ظاهری جواب‌گو نیست. ما در جامعه شاهد هستیم کسانی که دچار معرفت سطحی و ظاهری هستند به بیراهه می‌روند. متأسفانه عده‌ای نیز به دنبال تطبیق‌سازی و مصداق‌یابی هستند. این تطبیق‌سازی‌ها و مصداق‌یابی‌ها (که برخاسته از نشانه‌های ظهور است و گاهی با واقعیت فرسنگ‌ها فاصله دارد) ما را به جایی نمی‌رساند و به کج راه می‌برد. وظیفه عالمان دین است که در مقابل ایجاد چنین فضایی در جامعه، موضع بگیرند تا جلوی انحرافات گرفته شود و امید مردم از آن آینده ارزشمند، به فضای موجود محدود نگردد.

نتیجه‌گیری

خداوند، عقل را به عنوان حجت باطنی در مسیر سعادت انسان قرار داده است. بعد از عقل، دومین عامل نقش‌آفرین و تأثیرگذار در سعادت و هدایت انسان، پیامبران الهی هستند. بعد از انبیای الهی، نوبت به اوصیاء می‌رسد که یکی پس از دیگری زمام جامعه را در دست می‌گیرند. اما (بعد از عقل به عنوان حجت باطن و بعد از انبیاء به عنوان حجت ظاهری) دسته‌ای دیگر که نقش تأثیرگذار در هدایت جامعه دارند؛ عالمان و فقیهان راهنمایان بشر هستند. امام حسن عسکری علیه السلام در حدیث نسبتاً طولانی می‌فرماید:

...هرکس از شیعیان ما علوم ما را بداند و کسی که نسبت به شریعت ما جاهل و از دیدن ما محروم مانده است را هدایت نماید، یتیمی بر دامان نشانده است. آگاه باشید هرکس او را هدایت کند و شریعت ما را به او بیاموزد در رفیق اعلی با ما خواهد بود. (حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹: ۳۳۹)

فرقه‌های باطل و شیطانی در تمام گستره تاریخ بشری وجود داشته‌اند. این وجود، به موازات حضور شریعت اصیل انبیای الهی بوده است. در واقع راه‌های بدیل و جایگزینی بوده که شیاطین جن و انس آن را برای منحرف کردن از صراط مستقیم می‌گذاشته‌اند. اما این پدیده در زمان معاصر و با سرخوردگی بشر از زندگی مادی، ابعاد گسترده‌تری یافته است. به طوری که از حضور و آفات این جریان در امان نیستیم و شاهد جریان‌های رنگارنگ به اصطلاح عرفانی‌ای در گوشه و کنار هستیم. گرچه با بسیاری از آنها برخورد‌های قانونی صورت گرفته است. اما اصل آن، ریشه‌کن نشده و دوباره خود را ساخته و یا با عناوینی جدید وارد میدان شده است. یکی از موانع سدّ راه این فرقه‌ها، علمای خودساخته و مورد تایید ائمه می‌باشند. بنابراین، از هر راهی برای کنار زدن این مانع و به دام انداختن مردم در دام عنکبوتی خود، دریغ نمی‌کنند. از این راه‌ها، می‌توان به انواع شگردهای مدعیان، برای ایجاد گسست و فاصله بین علماء و مردم، تعبیر کرد. در این نوشتار، به پنج مورد آن اشاره شد که با تتبع و کنکاش بیشتر، شاید به موارد بیشتری نیز دست یافت. غالب این ترفندها، در قالب شریعت ستیزی، عقل ستیزی، تهمت و افتراء و عوامل روانی می‌گنجد.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی زینب، محمد، الغیبه، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، مصحح: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ش.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر اسلامی، دوم، ۱۳۹۵ش.
- اشراق خاوری، عبدالحمید، ترجمه و تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، تهران، لجنه ملی آثار امری، بی تا.
- برقی، احمد، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامية، دوم، ۱۳۷۱ق.
- بصری، احمد، المتشابهات، بی جا، اصدارات انصار الامام المهدی، ۲۰۱۰م.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: سید مهدی رجائی، قم، دارالکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۱۰ق.
- جمعی از نویسندگان، قبیلہ حیلہ (نگرشی بر کارنامه مدعیان معنویت و مهدویت)، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۲۹ق.
- _____، گزارش هایی از فرقه های نوپدید و عرفان های دروغین، تهران، مؤسسه جام جم، ۱۳۹۱ش.
- حاج قلی، احمد و دیگر نویسندگان، درس نامه فرقه های انحرافی، قم، مرکز تخصصی مهدویت، دوم، ۱۳۹۵ش.
- حجامی، حسین، به سوی انحراف، قم، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، بی تا.
- حسن بن علی علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام و ریحة الشریف، اول، ۱۴۰۹ق.
- حلوانی، حسین، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم، مدرسه الإمام المهدی، اول، ۱۴۰۸ق.
- حیدری آل کثیر، بررسی جریان جدید مدعی یمان (احمد الحسن)، فصل نامه علمی پژوهشی انتظار موعود، شماره ۳۴.

- الزیادی، الشیخ حیدر، *الیمانی الموعود حجت الله*، اصدارات انصارالامام المهدی، بی جا، دوم، ۲۰۱۱ م.
- شهبازیان، محمد؛ حسناتی نجف آبادی، عبدالرضا، بررسی و تحلیل استنادات روایی جریانات انحرافی بر مذمت فقهاء، *فصل نامه علمی پژوهشی انتظار موعود*، شماره ۵۶، بهار ۱۳۹۶.
- شوقی افندی (ولی امرالله)، *امروخلق*، تتبع و تدوین: فاضل مازندرانی، لجنه ملی نشر آثار امری، لانگنهاین، ۱۴۲ بدیع، سوم، ۱۹۸۶ م.
- صفار، محمدبن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، مصحح: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ کامیاب، مسلم، ترفندهای روان شناختی مدعیان دروغین مهدویت در ایران معاصر، *فصل نامه علمی پژوهشی انتظار موعود*، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۵.
- طبرسی، احمدبن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مصحح: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، اول، ۱۴۰۳ ق.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، *الأمالی*، قم، دارالثقافة، اول، ۱۴۱۴ ق.
- فهری زنجانی، احمد، *الغیبة للنعمانی*، تهران، نشر دارالکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۳۶۲ ش.
- قدیری، محمدحسین، علل روان شناختی درگرایش به جنبش های معنوی نوپدید، *دوفصل نامه مطالعات معنوی*، شماره ۳، بهار ۱۳۹۱.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، مصحح: موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ ق.
- کراچکی، محمدبن علی، *معدن الجواهر وریاضة الخواطر*، مصحح: احمد حسینی، تهران، المکتبه المرتضویة، دوم، ۱۳۹۴ ق/ ۱۳۵۳ ش.
- گلپایگانی، ابوالفضل، *فصل الخطاب*، مؤسسه معارف بهایی، ۱۵۱ بدیع، ۱۹۹۵ م.
- _____، *کتاب الفرائد*، هوفهایم، مؤسسه مطبوعات امری، ۱۵۸ بدیع، اول، ۲۰۰۱ م.
- میبدی، محمد فاکر؛ زارع، رحمان، بررسی نقش علماء در برخورد با مسئله باییت و بهاییت، *نشریه علمی پژوهشی تاریخ درآیین پژوهش*، سال نهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- نوری، حسینعلی (بهاء الله)، *اقدس*، بی تا، بی نا، بی جا.

- _____، ایتقان، هوفهایم، مؤسسه ملی مطبوعات بهایی، ۱۵۵ بدیع،
اول، ۱۳۷۷ ش.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات رهبر انقلاب در جمع طلاب گیلان، ضرورت‌های تبلیغات
امروز روحانیت، مجله مبلغان، شماره ۴۳، تیر ۱۳۸۲.
- سایت و شبکه‌های اجتماعی.
- فیلم‌ها و مستندات.

- _ <https://almahdyoon.org>
- _ http://www.black_banners.com
- _ <http://www.shiraze.ir>
- _ <http://bahaiat.com>
- _ @Zuhur_kard10313
- _ @Rahe_hal_faghat_mahdi_ast
- _ @Alghaem
- _ @aman.bahai

